



عابریں

سه شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۲ / شماره ۱۱ / سال دوم / ۸ صفحه / ۵۰۰ تومان

له به‌پریرسانی بالای هه‌رنمی کوردستان بوون که به‌شادیریان له به‌مراسیمی به‌خاکسپاردنی تهرمی شیرکو بیگس کرد. شیرکو بیگس له رۆژی ئی نهم مانگه له نه‌خۆشخانه‌یه‌کی سۆ کهوێی پایته‌ختی سوید له تهمەنی ۷۳ سالییا کۆچی دوابی کرد. شیرکو بیگس کۆری شاعیری ناوداری کورد فایق بیگس، له سالی ۱۹۴۰ له سالیانی له‌دایک بووه و له سالی ۱۹۷۰ له‌گه‌ڵ چهند کەسێکی تر دا په‌وتی روانگه دامه‌زراند که نووکات په‌وتینکی نوێ بوو له‌شیعری کورینا. شیرکو بیگس چهندین بهره‌می شیعری هه‌یه که زۆرییان وه‌رگێژدارونه‌ته سه‌ر زمانه‌کانی فارسی، تورکی، نینگه‌لێزی، سویدی و نه‌لمانی و چهندین زمانی تر. له‌سالی ۱۹۸۸ خه‌لاتی توخۆلسکی پی به‌خشا که خه‌لاتینکی نیوده‌له‌تییه بو شاعیره نوینواژه‌کان.

■ تهرمی شیرکو بیگس، شاعیری ناسراوی کورد، نه‌مه‌رۆ دوشه‌مه‌مه ۱۲ی نه‌گه‌یت/۲۱ی گه‌لاوێژ، له به‌مراسیمیکدا له پارکی نازادی شاری سلێمانی به‌خاک سپێژدا. به‌پێشی هه‌والی کوردپێرس، دواي نه‌وی دوێنێ له رینگه‌ی فرۆ که‌خانه‌ی نیوده‌له‌تی هه‌ولێزه‌ تهرمی شیرکو بیگس گه‌ڕه‌نرایه‌وه هه‌رنمی کوردستان، سه‌ره‌له‌یه‌یانی نه‌مه‌رۆ گه‌یه‌نرایه شاری سلێمانی و له به‌مراسیمیکدا به به‌ش‌داری بنه‌مه‌اله‌که‌ی، چه‌ماوهر و به‌پریرسانی حکومه‌ی و حزبی له پارکی نازادی شاری سلێمانی به‌خاک سپێژدا. فوناد حسین، سه‌رۆکی دیوانی سه‌رۆ کایه‌تی هه‌رم، عیباد نه‌حمه‌د چینگری سه‌رۆکی حکومه‌تی هه‌رم و هه‌سەن محەمه‌دسور، چینگری سه‌رۆکی په‌رله‌مان

به احترام ادب

با گفتارهایی از :

◀ **بایزید مردوخی**

◀ **اسعد اردلان**

◀ **بهرام ولد بیگی**

◀ **لطف اله میثمی**

◀ **جلال جلالی زاده**

سالیانی چەند از درگەشت انسانی می‌گذرد که با پدرفه‌ای کم مانەد به‌سرای باقی شتافت تا آسوده‌ از دغدغه‌های هەمیشگی اش در کنار آرامگاه پدر، به‌ابدیت بپیوندد.گرچه از میان ما رفته‌ است اما یادها و یادگارهای او جلودانه مانده‌ اند. گسترش ارتباطات اجتماعی و تنوع حوزه‌های فعالیت زنده‌ یاد مهندس بهاء‌الدین ادب آنچنان بود که هر فرد و گروهی می‌تواند گوشه‌هایی از دریافت خود را بازگو نماید. بر این باور، هر آنچه که در یک نوشته‌ می‌آید، بیان همه‌ شایستگی‌ها و صفات پسندیده‌ او نیست، بلکه برگ سبزی است از درخت پربراری که سایه‌ آرامش بخشش فضاهای گسترده‌ای را در بر گرفته و انسان‌های بسیاری را شامل شده‌ است. از آشنایی من با مهندس ادب بیش از پنج دهه‌ و از دوستی ام با او بیش از سه دهه‌ گذشت. روزگاری که با وجود تفاوت‌اندک سن اما به‌ دلیل دوستی در خاطرات نوجوانی و جوانیم ...

به رسم حاشیه *

محمود محمودی

می‌شویم بر خلاف شما هزینه‌های بسیاری داده‌ ایم، تلاش‌های بسیاری برای حذفان شده‌ است و هنوز در راستای رسانتمان و حفظ اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری مورد هجمه و تهدید بوده‌ و هنوز که هنوز است پرونده‌های مفتوح در مراجع قضایی گواه ماست. پس بی‌هیچ نفع شخصی کسانی را که به‌این مردم خدمت می‌کنند دست‌مریزان می‌گوییم

۴: در خاتمه‌ یادم هست روزگاری که در دانشگاه بودیم و شاید شما در کوچه‌ها به‌بازی، دانشگاه را ریاستی بود به‌نام دکتر یثربی که یادش به‌خیر، در برنامه‌ای علامه محمد تقی جعفری به‌دانشگاه آمده بودند و درست به‌یاد دارم یثربی در خیر مقدم از بزرگی ایشان گفت و افزود: که این مدح هیچ وقت بر من سنگینی نمی‌کند و واهمه و شرمی بر این مدح ندارم؛ و حال که ماراسر سیاس کسی است آنچه را که بر دیده‌امده بر زبان آوردیم ، شاید شما از پس پرده‌خبرها دارید و چیز دیگری می‌دانید که ما را هیچ‌گاه به‌آن خلوتیان راه نبوده‌ است. %این یادداشت به‌پهانه برگزاری مراسم روز خبرنگار و برخی حواشی آن و پس از آن نگاشته‌ شد.

۳: اگر به‌حمایت از استاندار متهم شده‌ ایم، این نه‌اتهام بلکه نشان از رسم جوانمردی است که در روزهای واپسین این گونه‌همت می‌کنیم و به‌فراست در یافته‌ ایم که شهپازی نامی بی‌واسطه‌ با این مردم زیست و اگر به‌تشخیص معیار او نشست‌ه‌ایم دریافتیم که نه‌به‌نشان دولت مردی اش بلکه به‌همت و مردم دوستی اش شهره‌ است و هم‌ما و هم‌مردم او را



جدای از دولت و روابط معمول یافتیم. اما مهم اینکه شمایانی که امروز چنان بر آشفته‌اید واسناد حمایت‌ها و وام‌های بلاعوض و غیره را به‌فراموشی سپرده‌اید بهتر است بدانید اگر امروز ما به‌جوانمردی متهم

زین کاروان سرباسی کاروان گذشت ناچار کاروان شما نیز بگذرد بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیسم تا سختی کمان شما نیز بگذرد ۱: شیوه‌ی ناخوشایندی است برخی که در بضاعت منطق، پرسشی بر تارک دارند و تا مدتی پیش‌خبر پی‌خبر از دستاوردهای دولت منتشر می‌کردند و علم بر می‌گرفتند و سینه‌چاک می‌کردند اکنون چه‌بر سر آمده که به‌ناگاه بر می‌آشوبند و آنچه نگاشته و عمل کرده بودند به‌انکار می‌نشینند این شیوه بدیعی است که عده‌ای به‌نام خبرنگار پیشه کرده‌اندو از قبل آن بسیار رانت و امکانات گرفته و حال که دیگر این خوان رنگین را به‌پایان آمده‌می‌بینند سر نا سیاسی بر می‌آورند. ۲: صد البته‌ اینانی که همیشه پی‌فرصت بوده‌اند انگشت شمارند که به‌قول خود در بزنگاه تور گشوده و به‌صید ماهی پرداخته‌اند که این نه‌صفت خبرنگاری است و نه اخلاق چنین ترفندی را بر می‌تابد؛ هر چند این عده را که از بد حادثه وارد این گود شده‌اند نمی‌توان به‌محک اخلاق به‌بازی گرفت.

آگهی ابلاغ و خرید و تملک اراضی مورد نیاز طرح خط انتقال گاز

مرحله اول

شماره(۲۰-۹۲)

■ «(«و»و»۸) اینج مېجتمەع (روستايي پٿان شامل (روستاھای (دويسيە، پٿان، آليجان، فاكروزي، معين آباد) شھرستان سنندج

به موجب این آگهی شرکت گاز استان کردستان در نظر دارد اراضی مورد نیاز خود را در محدوده مسیر انتقال گاز (۸و۶و۴) اینج مجتمع روستایی چتان مطابق کروکی ذیل به استناد لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی و عمرانی دولت مصوب ۵۸/۱۱/۲۷ شورای محترم انقلاب، تملک و خریداری نماید. بدینوسیله به اطلاع صاحبان حقوق قانونی، سازمانهای دولتی —شرکت های صنعتی و مالکین طرحهای صنعتی و کشاورزی و کلیه مالکین و ذیحقان قانونی احتمالی محدوده مذکور می رساند تا حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ اولین اعلان دستگاه اجرایی در روزنامه کثیرالانتشار با دست داشتن اسناد و مدارک مالکیت خود نسبت به تعیین کارشناس منتخب و مرضی الطرفین خود (به صورت کتبی) به شرکت گاز استان کردستان واقع در میدان جهاد مراجعه فرمایند. بدیهی است در صورت استنکاف یا عدم مراجعه به موقع مالکین، این شرکت وفق مقررات مندرج در ماده ۸ قانون فوق الذکر، حق خواهد داشت راسا و در غیاب مالکین، ضمن متراز اراضی و برداشت سهم هر یک با مراجعه به دادگستری و تعیین کارشناسان منتخب و قیمت کارشناسی، نسبت به تودیع بهای املاک به صندوق ثبت محل و سپس تملک و انتقال قانونی اسناد مالکیت توسط دادستان محترم محل اقدام نماید. لازم به ذکر است از بابت احداث هر گونه بنا و کشت و زرع و غرس اشجار که در محدوده مورد نظر از تاریخ صدور اولین آگهی ایجاد شده باشد، وجهی پرداخت نخواهد شد. این آگهی در دو نوبت و به فاصله ۳۰ روز جهت اطلاع کلیه ذیحقان احتمالی از جمله اشخاص حقوقی و حقیقی از قبیل ادارات منابع طبیعی، محیط زیست، میراث فرهنگی، جهاد کشاورزی، راه و ترابری و... منتشر می گردد.



روابط عمومی شرکت گاز استان کردستان

جناب آقای مهندس امیر قادری

اختصاب جنابعالی به عنوان معاونت عمرانی استاندار کردستان

نشان از شایستگی و لیاقت جنابعالی است. ضمن تبریک این اختصاب

فرخنده توفیق روز افزون شما و رشد و بالندکی فعالیتهای عمرانی را

در سایه تدابیر جنابعالی از درگاه حضرت حق خواهانیم.

هفته نامه ناکرین روژ

له به رچاومه دوا جارمن و ته نیایی
پیکه وه ده مینینه وه
نه و ناگری جگه ره که بی ده کوریته وه
منیش بو مه تاهه تابه
نیترته بووم

شیر پیکه س



گفتگو

مشى و منش ادب مدنى بود



لطف الله میثمی

مدیر مسئول دوماهنامه چشم انداز ایران

هر چند کسالت داشت و خسته بود اما در گفتگویی کوتاه خواست ما را برای مصاحبه پذیرفت. این مبارز بازنشسته نامی آشنا در سیاست است. با او در مورد زنده یاد بهاءالدین ادب گفتگوی کوتاه تلفنی داشتیم که از نظر خوانندگان می گذرد.

۱: جناب میثمی آشنایی شما با زنده یاد ادب به چه دوره ای بر می گردد؟

ایشان را در دوره ای که نماینده بودند می شناسم و با توجه به اینکه در نشریه ی چشم انداز ایران مسایل کردستان را پیگیری می نمایم، در خصوص حوادث اوایل انقلاب و مسایل کردستان با مرحوم ادب سلسله بحث هایی داشتیم چرا که معتقدیم بیاید مسایل اوایل انقلاب با آن هزینه گزاف تکرار نشود. زنده یاد ادب که خود نیز نگاهی فرهنگی داشتند همواره کمک حال فعالیت های فرهنگی بودند که در یک مورد آن رپرتاژ آگهی را که مربوط به بانک کارآفرین بود برای تأمین بخشی از هزینه نشریه به ما دادند.

۲: تأثیر گذاری ادب را در حوزه سیاسی و اجتماعی چگونه ارزیابی می نمایید؟

ادب همواره مشی و منش مدنی داشت و حقوق شهروندی اقوام و به ویژه کردها را به طور جدی در دو دوره مجلس که نماینده بود پیگیری می کرد. نگاه ایشان همواره در چهارچوب گفتنمان مدنی، سیاسی جای می گرفت. بی شک مرحوم ادب یکی از چهره های تأثیر گذار در عرصه ی سیاسی ایران بود و نمی توان منکر آن شد. تشکیل جبهه متحد کرد از اقدامات جدی آن مرحوم برای پیگیری مطالبات کردها در چهارچوب ایران بود.

۳: در پایان یک خاطره ای از مرحوم ادب دارید، بیان فرمائید؟

هنگامی که ایشان بعد از انجام معالجات از کانادا به ایران آمد به همراه مهندس عزت الله سجلی به منزلشان رفتیم، در حیران این عبادت مهندس ادب از مقایسه وضعیت بیمارستان های ایران و کانادا سخن گفت و خیلی متاثر بود از نحوه ی برخورد پزشکان در بیمارستان های ایران و نیز وضعیت کیفی پزشکی در ایران از کانادا.

کارآفرین شجاع و نیک اندیش

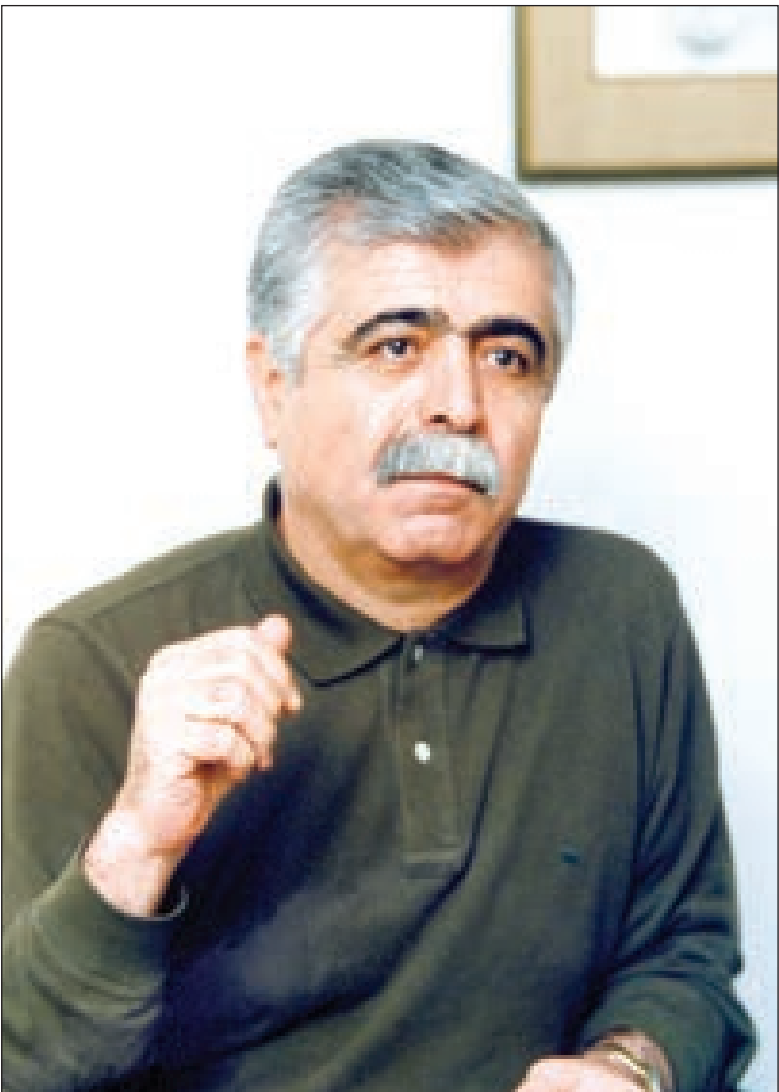
محمد صادق جنان صفت

تحلیلگر اقتصادی

مهندس ادب در آن روزها با شوق و علاقه‌ای دوست‌داشتنی و نجیب و همانند همیشه‌ای که او را می‌شناختیم، برازنده‌ترین و زیباترین لباس‌هایش را بر تن می‌کرد و با صلابت و استوار و بی‌توجه به آزاری که جسم و جاش از بیماری می‌دیدند در نشست‌های گوناگون از جمله نشست‌های کانون عالی کارفرمایان ایران، کنفدراسیون صنعت ایران و مجامع و نهادهای دیگر حاضر می‌شد. شادروان ادب مرد سکوت و مصلحت‌های غیرسازنده نبود و در هر نشست، آنچه را که مفید می‌پنداشت و غالباً نیز با تأیید مواجه می‌شد، در نشست‌ها ارائه می‌کرد. روزی را که او با جدیت تمام دست روی دست مهندس محسن خلیلی گذاشت و با او پیمان بست که در راه داد و رشد جامعه مدنی از هیچ کوششی دریغ نشود، به خوبی به یاد دارم و همان روزها این نیک‌اندیشی و استواری را برای دوستان پرشماری بازگو کردم. مرحوم ادب پس از دو دور نمایندگی مجلس قانوگذاران کشور و حضور در اتاق بازرگانی ایران و اندیشیدن به تعامل نهادهای قدرت در ایران به این نتیجه محنوم رسیده بود که راه توسعه پایدار ایران از مسیر توسعه و پایداری نهادهای مدنی عبور می‌کند. مهندس بهاءالدین ادب در یک سال آخر عمر با برکتش تلاش گسترده‌ای کرد تا مانع و سد راه ایجاد و انحصارهای شبه دولتی شود و در این راه پایداری او قابل تحسین بود. آنهایی که با شادروان ادب آشنایی نزدیک داشتند یادشان می‌آید که او چه دست‌هایی را از میان شهروندان کپردارآمد به ویژه دانشجویان کمبضاعت می‌گرفت و بدون ذره‌ای منت در شرکتش به روی آنها باز بود. شجاعت او در بیان حقایق در چارچوب قانون و شفاف سازی در کسب‌وکار و مدیریت فوق العادداشت در تأسیس و رشد شرکت‌های سودآور و مفید او را به یک کارآفرین نیرومند تبدیل کرده بود. اکنون و درخشیم سالگرد درگذشت این کارآفرین مہمن دوست، بخشی از نوشته سال ۱۳۸۶ مهندس خلیلی را که همان روزها نوشته بود، ضمیمه نوشته حاضر می‌کنیم تا یادآوری کوتاهی از یک کارآفرین ایرانی باشد: «بدون شک از سربلندترین و پرافتخارترین یاران ما بودی. فداکاری تو در قبول مسوولیت‌های دردسردار، الگوی فداکاری یاران شده است.

جهان‌بینی و باورهای سیاسی – اقتصادی – اجتماعی

شادروان مهندس بهاءالدین ادب



مهندس ادب همواره از فداکاری‌ها و مشارکت‌های مردم کرد در کلیه صحنه‌ها و امور ملی ایران یاد می‌کرد و در مقابل، از دیوار قطور و بلند بی‌اعتمادی دولتها نسبت به این مردم، شکوه می‌کرد. او علاوه بر نقد پارهای از قوانین تبعیض‌آمیز، از نگرش امنیتی بعضی افراد و تبعیت آنها از «قانون نانوشته» ای که مردم ایران را به شهروند درجه یک و درجه دو تفکیک می‌کند، اظهار نگرانی می‌کرد. به نظر او، همین امر موجب شده است تا پتانسیل و توان شایستگان کرد در عرصه ملی، فرصت خدمت پیدا نکند. او وجود توهمات و نگرش امنیتی، به اضافه قرار گرفتن کلیه مناطق کردنشین غرب کشور در خطوط مقدم جبهه جنگ تحمیلی را باعث انجام نشدن سرمایه‌گذاری‌های کلان دولتی در این مناطق و موجب عقب‌ماندگی اقتصادی مناطق کردنشین، می‌دانست.

اقتصادی در تعامل بود، با موضوعات مختلف نیز سر و کار داشت و در هر مورد موضوعی خاص خویش اتخاذ می‌کرد. دامنه موضوع‌هایی که ذهن او را مشغول می‌کرد و در نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایش به آنها می‌پرداخت از جمله عبارت بود از: کرد و کردستان، توسعه اقوام ایرانی، توسعه اقتصادی – اجتماعی، توسعه صنعتی، فقر و فقرزدایی، مناطق محروم، گزینش، توسعه متوازن، فساد، آزادی اندیشه و بیان، منافع ملی، عدالت، مشارکت، شایسته‌سالاری، قانون‌مداری، شهرسازی، اشتغال و بیکاری، سازمان‌های مردم نهاد، سازمان ملل، عراق، آمریکا، تبعیض، مسکن، جوانان، جانبازان و معلولان، قاچاق، حلیجه، انفال، مهاجرت، فرارسرمایه، فرارمغزها، علم و پژوهش، توسعه پایدار، مدیریت، پهر موری، بودجه و برنامه، ورزش. مهندس دو دوره نمایندگی مردم کردستان در مجلس شورای اسلامی، مهندس ادب علاوه بر مشارکت فعال در مباحث مختلف مطرح شده در کمیسیون‌ها و جلس‌های عمومی، چند طرح مهم و کلیدی را مطرح و با مشارکت سایر نمایندگان ارائه نمود مانند: «طرح عفو عمومی»، «طرح لغو قانون گزینش و تسری آن»، «طرح ایمن‌سازی ساختمان‌ها»، «طرح نامگذاری روز «پاینده ایران»، «طرح تصویب بودجه‌های جهشی برای استان‌های محروم»...

از: «اتهامی به سردبیر نشریه پیام امروز» مهندس ادب با گروه‌ها و احزاب فعال در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران به نحوی در تعامل بود و در مناسبت‌های مختلف برای آنها پیام موذت می‌فرستاد و یا شخصاً – حتی در دوران بیماری – در مراسمشان حضور می‌یافت و به همین نحو، ارتباط احترام‌آمیزی با شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی کشور داشت و آنها نیز متقابلاً احترام خاصی برای او قائل بودند. می‌توان ادعا کرد که کمتر شخصیت کرد، به اندازه مهندس ادب، توانسته بود با مراجع و مراکز ملی و اشخاص در سطوح مختلف پیوند دوستی گسترده برقرار نماید. در این طیف گسترده، علاوه بر شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی، گروه‌های مختلفی مانند هنرمندان، نویسندگان، ورزشکاران، صاحبان کسب و کار، مدیران صنعت و تجارت، روحانیون، دانشجویان، استادان، استادکاران و... قرار داشتند.

مهندس ادب، همان طور که در حوزه‌های مختلف فعال بود و با گروه‌های مختلف اجتماعی سیاسی و

یادداشت



بایزید مردوخی

جدول لیگ استانی کشور قرار دارند. مهندس ادب، عوامل این قبیل مشکلات اجتماعی را، مشکلات سیاسی و نگرش امنیتی و قاتل بودن بعضی افراد به شهروند درجه یک و درجه دو، محدود کردن آزادی، مشکلات اقتصادی، کمبود درآمد سرانه، بیکاری و ایجاد روحیه یاس و گرفتن نشاط و شادابی جامعه، مشکلات فرهنگی و موانع موجود در راه تلاش برای توسعه و حفظ هویت فرهنگی، می‌دانست.

او بسر این باور بود که مناطق کردنشین، تمام خصوصیات لازم را برای توسعه همه جانبه و موزون و پایدار، دارا می‌باشند که عبارتند از نیروی انسانی، آب و خاک، ذخایر زیرزمینی، طبیعت زیبا و محیط زیست سالم و با ظرفیت مناسب، پتانسیل تولید و موقعیت ژئواستراتژیک. او همچنین با اشاره به وجود ذخایر معدنی با تنوع فراوان، استخراج و فرآوری این نعمات خدادادی زیرزمینی را، حلال مضلات کمبود درآمد و بیکاری جوانان کردستان می‌دانست. مهندس ادب کردها را مردمی حق شناس معرفی می‌کند که خادمین خود را چون چشم خویش دوست دارند و از کسی که به آنها محبت و خدمت کند، با فدا کردن جان و مال خود دفاع می‌کنند. با این وصف، به نظر او سرزمین این مردم یعنی مناطق کردنشین کشور، خصوصاً تا قبل از انقلاب اسلامی، به دلایل متعدد و به قدر استعدادهایش توسعه پیدا نکرده و از امکانات ملی به قدر نیاز و بایسته برای پیشرفت، برخوردار نشده است.

مهندس ادب نماینده مردم کردستان در دو دوره مجلس شورای اسلامی بود ولی در عمل نشان داد که به واقع نماینده مردمان سراسر ایران است. از بلاهای طبیعی مانند زلزله، سیل و رانش زمین، فاجعه سیل‌های تکرار شونده استان گلستان و بی‌خانمانی گروهی از ساکنان این استان، از فقر سیستمات و بلوچستان، از توسعه‌نیافتگی استان‌های مرزی کشور – از ایلام تا چالدران، از قانون و مقررات فروشی یا تراکم فروشی در شهر تهران و سرایت این ویروس به خیلی از نقاط شهری کشور که حقوق شهروندان را تضیع کرده است، بارها و بارها سخن گفت و این همه را به گفته خود: «در راستای ایفای وظایف یک نماینده ملت» می‌دانست.

مهندس ادب در چند سال آخر عمر پربرکت خویش، به این نتیجه رسیده بود که مردم مناطق کردنشین می‌توانند از تجمع توانایی‌ها و دانایی‌های خود برای توسعه مناطق خود، استفاده نمایند. تلاش‌های متعددی برای تجمع توان‌ها و منابع کردها در جهت پیشبرد دموکراسی، برقراری عدالت، و ارتقاء توسعه متوازن را به عمل آورد و برای این کار، الگوهای مختلفی را آزمود: الگوی تأسیس یک حزب فراگیر همه گرایش‌های اصلی معطوف به سه محور نامبرده: الگوی ایجاد یک شرکت سرمایه‌گذاری برای توسعه همه جانبه: الگوی تشکیل یک سازمان مردم نهاد توسعه‌گرا در قالب چتر یا جبهه‌ای که بتواند نیروهای مؤثر برای تحقق آن آرمان‌ها را گردهم آورد. با توجه به توانایی خود در برقراری وفاق و اجماع بین افراد دارای نظرات و عقاید متفاوت، موفق به جلب مشارکت اشخاص و افراد مختلفی که دراین راستا هم‌فکر بودند، گردید. آنها با توجه به شرایط و محدودیت‌های موجود در برابر هر الگو و به ویژه «قانون نانوشته» ای که تلاش‌های مردمی را در راه کمک به خویشستن و برداشتن باری از دوش بوروکراسی دولتی و بوروکرات‌های متخصص در مانع تراشی، سد می‌کرد از گزینه‌های اولیه، صرف‌نظر کردند و آخرین گزینه یعنی تأسیس نهادهی زیر عنوان جبهه متحدکرد انتخاب شد و به صورتی شفاف و علنی اقدام به فراخوان نیروها و شخصیت‌های کرد در سراسر کشور و در حول همان سه محور نمودند.

این اقدام که در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، با استقبال شدید در همه مناطق، به ویژه در تهران بزرگ، رو به رو شد. سپس از مقامات مسئول و بلند پایه در سطح ملی و استانداران مناطق کردنشین به صورت مکتوب و رسمی درخواست ملاقات برای توضیح محورهای سه‌گانه و نتایج مؤسسن این جبهه، به عمل آمد. اولین ملاقات با جناب آقای هاشمی رفسنجانی بسیار امیدوارکننده و موفقیت‌آمیز بود. ایشان تلاش جبهه، در تحقق آرمان‌های قانون اساسی در مناطق کردنشین را لازم و سودمند ارزیابی کردند. اما پاسخی از سایر مراجع و استانداران منطقه تا خاموشی شمع وجود مهندس ادب دریافت نشد. پی‌گیری آرمان‌های قانونی مردم، برای تحقق دموکراسی، عدالت و توسعه متوازن، یاد و نام او را زنده و مستدام می‌کند.

نگاه روزنامه نگار

به احترام ادب



اجال قوامی

«بزرگ بود/ و از اهالی امروز بود/ و با تمام افق‌های باز نسبت داشت/ و لحن آب و زمین را چه خوب می‌فهمید/ و رفت تا لب هیچ/ و پشت حوصله به نورها دراز کشید/ و هیچ فکر نکرد/ که ما میان پریشانی تلفظ دردها/ برای خوردن یک سیب/ چقدر تنها ماندیم»

رسم معهودی است تا کسی از میان مارخت بر می بندد، قدر و منزلت او را آنگونه که در خور او بود کم کم درک می‌کنیم و از خود می‌پرسم چرا از میان ما کسی مانند او باید برود. حال او چند سالی می‌شود که رفته است اما حس دل تنگی نسبت به او هر سال عمق بیشتری می‌یابد. نقش بهاءالدین ادب در میان دوستان و همفکران و همراهانش به گونه ای در ذهن‌ها حک شده است که آثار آن نه تنها سالیان سال دودنی نیست که هر سال حتی در نبود او نقش پررنگ تری پیدا می‌کند. غزالی در کتاب «ذکرالموت» از سه گونه مواجهه ی آدمیان با مرگ سخن می‌گوید: کسانی که شیرین می‌زنند و آنقدر دلبستگی‌های دنیوی دارند که از مرگ می‌هراسند و تلخ می‌میزند، دسته ی دوم افرادی اند که از وضعیت روحی خود راضی نیستند و در آرزوی رسیدن روزگار بهتری هستند اما عزم و اراده برای تغییر ندارند و در حسرت سربرآوردن رستخیزی در سرزمین و جودشان شب و روز را دوره می‌کنند، دسته ی سوم گروهی هستند که به استقبال مرگ می‌روند چرا که زوال و عدم مآلایی دنیا را به رای‌العین دیده‌اند و دلبستگی چندانی به دنیا ندارند و کیوتر جانشان در آرزوی حفره کردن زندان و پرواز به سمت بی سو و دیار دوست است: این جهان زندان و ما زندانیان حفره کن زندان خود را و رها

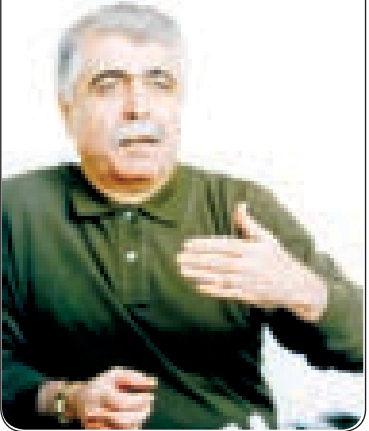
بهاءالدین ادب از گروه سوم بود، تعلقات دنیوی چندانی نداشت و خود را بسان مسافری می‌انگاشت که قرار است چند صبحی در این دنیا بزیرد و پس از آن به خلوت ابعاد زندگی سفر کند و همونرد افق‌های دور شود. شجاعت بودن در او موج می‌زد با دغدغه‌های اصیل وجودی و معرفتی خویش زندگی می‌کرد و دل مشغول آن‌ها بود. رنوف و مسرد دار بود که هیچ زمانی را برای رسیدگی به گرفتاری‌های انسان‌های مجموعه ی خود از دست نمی‌داد. او از انسان بودن خود، اول انسان‌ها را می‌دید و قلب‌های آن‌ها را تسخیر می‌کرد و به ساماندهی مشکلات کسانی که ناتوان تر از بقیه بودند، می‌پرداخت. از طرح ریزی و انجام هر کار مفیدی فرو گذار نبود. آن بزرگ مرد تنها یک مفهوم در سر می‌پروراند، تا آنجا که از دستش کاری برآید تلاش خود را وقف امور خیر کند. این گونه کن‌انبوه وظایف سنگینی که داشت از ایجاد و تقویت الفت و دوستی و رفع دشمنی‌ها و حل مشکلات در گوشه ی ذهنش می‌سپرد. غریق رحمت خدا بد که عمری را در پاک‌ی و چالاکی سپری کرد و باران وار بر پاک و پلید بارید و خرد و کلان را از خود بهره داد و با قلبی سلیم به سوی پروردگار خود شتافت. بایسته است تا بخشی از خاطرات آن زنده یاد که توسط استاد گرانمایه احسان هوشمند به رشته تحریر در آمده است برای ثبت در تاریخ این دیار انتشار یابد. این پیامان که در قالب این ویژه نامه در دستان شمامت با تلاش و زحمات اندیشه وران و دوستان گرمی که قبول زحمت فرموده به زبور طبع آراسته شد. امید که مقبول حق افتد.

ای ساکن جان من آخر تو کجا رفتی

در خانه نهان گشتی یا سوی هوا رفتی؟

نه مرغ هوا بودی نه باد صبا بودی

از نور خدا بودی در نور خدا رفتی



درپچه

برای مهندس بهاءالدین ادب



بهرام ولدبیگی

دلی همدرد و یاری مصلحت بین
که استغفار به اهل دلی بود

«حافظ»

■ **سنندج** و مردمان زانینیش در زندگی سیاسی و فرهنگی من، تأثیر تاریخی ماندگار دارند. آشنایی، دوستی و معاشرت با مدها شخصیت بزرگوار و با فرهنگ این دیار از جمله شادروان مهندس بهاءالدین باب یکی از این یادگارهای ماندگار در زندگی من است. این روزها مشغول نوشتن خاطرات و جمع‌آوری نامه‌ها و نوشته‌های سالهای دور و نزدیک هستم، برحسب اتفاق یکی از نوشته‌هایی که مرا به ۱۲ سال پیش با خود برد صورتجلسه‌ای بود به تاریخ ۱۵ مرداد ماه ۱۳۸۰ در محل انستیتو فرهنگی کردستان، پیرامون تأسیس «فاندشگاه کورد» در سنندج یا تهران است که شورایی پنج نفره طراح آن بودند و چند ماه روی آن صحبت و تبادل نظر شد. از آن جمع یکی شادروان مهندس بهاءالدین ادب و دیگری شادروان دکتر فریدون حقیقی بودند که هر دو به رحمت پروردگار رفته‌اند. اتفاقاً مورخ‌لیسه به خط بسیار زیبای مرحوم دکتر فریدون حقیقی که از چهاره‌های مهربان و صمیمی ادب و ادبیات بود، در سنندج که بعد از سالها زندگی در غربت به ایران بازگشته بود و دوستدار فرهنگ کردستان، نگاشته شد. آن سه نفر دیگر بابی آقای دکتر عبدالعسین مستوفی از شخصیت‌های فرهنگی و بنام اهل و ساکن تهران که بسیار علاقمند به مسائل کوردستان بودند و همچنین دکتر بابزید مردوخی و نگارنده‌ی این سطور بودیم و بجب که این اتفاق با سالگرد درگذشت مرحوم ادب همراه بود که از من خواسته شد مطلبی در این باره بنویسم. آغاز آشنایی و دوستی ما با مهندس ادب به آذرماه ۱۳۴۴ برمی گردد که در استنداردی کوردستان در سمینار استاندارد و تحقیقات استان توسط دوست همیشه عزیزم کاک عطا حواری‌نسب که باب آشنایی با مهندس ادب شد و این آشنایی مقدمه‌ی دوستی‌م دربرینمای بود که ۱۲ سال مداوم و بدین وقفه ادامه داشت.

سالهای انتشار هفته‌نامه‌ی آپیدر در سنندج و همراهی و همکاری مداوم مهندس ادب و سپس تأسیس انستیتو فرهنگی کوردستان در تهران و حضور همیشگی ایشان در جلسات و تالارهای جمعی ما برای خدمت به فرهنگ مردم با فرهنگ مناطق کوردنشین و تحولات کوردستان عراق و مجلس ششم در سالهای اصلاحات و سپس انتشار روزنامه‌ی آشنئی و دیدارهای دیپلماتیک با شخصیت‌های کورد همه و همه خاطراتی از تاریخ مشترک سیاسی و فرهنگی من با شادروان مهندس بهاءالدین ادب بوجود آورده است.

لابای تقویم روزانه و یادداشت‌های خصوصی و غیر خصوصی من مسلال تاریخی بسیاری از روزهای دوستی با مهندس ادب در ارضیو انستیتو فرهنگی کوردستان در تهران برای درج تاریخ و اندیشه کوردستان منکوب و ماندگار مانده و موجود است که ی‌شک به عنوان امتداری در لابای نوشته‌های آینده من منتشر خواهند شد.

حضور مهندس ادب در دنیای سیاست در ۱۲ سال اخیر مانند همدی انسانهای مهرب و حاضر در جامعه و اجتماع با نقد و انتقاداتی روبرو و مواجه بوده و من به عنوان دوست این سال‌ها چوب این دوستی را بر سرخود دیدم به ویژه در دو دوره انتخابات مجلس ششم و ششم مهندس ادب کاندیدای سنندج برای مجلس شورای اسلامی بود اما هیچگاه به آن پشت نکردم و به آن وفادار ماندم زیرا زندگی سیاسی در جامعه‌ی توسعه نیافته‌ی ایران و کوردستان برای همدی فعالان سیاسی و فرهنگی با مسائلی بالاتر از نقد و انتقاد مواجه می‌شود که گاه بسیار دردناک است زیرا که مملو از هتمت و افتراء و با قصوالت‌ها یا به جا و برچسب‌های ناروا روبرو می‌باشد.

من و مهندس ادب و بسیاری از دوستان دیگر، جمعی بودیم که در عرصه‌ی خدمت به کوردستان با کار جمعی، تاریخی مشترک داریم. در آن ۱۲ سال در فرازفرودهای سیاسی روزگار به کنار با نقدفهای دوستانه و غرض‌ورزانه و با اظهار لطف‌های بی‌شمار در خدمت به مردم عزیز کوردستان با هم و در کنار هم آنچه را که در توان داشتیم به انجام رساندیم.

و اینگونه شد که اکنون آن خدمات و آن رفتارها را به قضاوت تاریخ سپرده‌ایم و این حق مردم است که عملکرد افراد را در روزای مساهلهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بررسی و هر کس را به اندازه‌ی آنچه که انجام داده است و از او آثاری بجای مانده است مورد نقد و بررسی و احکام اطفال و عنایت قرار بدهند. اکنون خوشحالم که به عنوان دوست و همکار نزدیک شادروان بهاءالدین ادب امروز به گذشته‌ی ما بنگرم با هم فراز و فرودهای روزگاران اکنون برایش می‌نویسم و خدماتش را راج می‌نهم چرا که مهندس ادب به عنوان کنشگر‌ی فعال و نماینده‌ی دلوس در تاریخ کوردستان ماندگار خواهد ماند.

اینک که ۸ سال از درگذشت آن عزیز سفر کرده می‌گذرد بر ما بعنوان فعالان فرهنگی و سیاسی در کوردستان رسالت نقد و بررسی و عملکرد ایشان و دیگر حاضران در این عرصه را با رویکرد عقلانی و بدون تعصب و با دستنخاست درست و قضاوت عادلانه قلم فرسایی کنیم تا با ندان آدرس‌های صحیح از گذشته با نگاه وقیفانه‌ایم اینده را ترسیم تا تحولات تاریخی آنگونه که اتفاق افتاده است ورق بخورد و حرمت و جایگاه همه در همان جایگاهی که حق اوست تعریف شود و اینگونه است که می‌توانیم ضمن اطلاع رسانی و قضاوت عادلانه حق را به حق دار بدهیم و اخلاقی را در تاریخ نگاری کوردستان یادآور شویم چرا که نام و بادی از آن گذشته نشان حرمت و قدردنسانی امروز است.

در خامنه‌سا تشکر از کاک محمود محمودی و همکاران زحمتکش برای شادروان مهندس بهاءالدین ادب ویزونتمه‌ای را در کارنامه مطبوعاتی خود تعریف کردند و به همدی می‌یادآور شدند که قدر خدمات دلوسان سالهای دور و نزدیک که اکنون دستشان از دنیا قطع شده را برای امروز و فردای تاریخ یادآور شویم. یادش گرامی باد.

■ مهندس بهاءالدین ادب نماینده دو دوره مجلس کردستان یکی از شخصیت‌های مطرح در تاریخ نمایندگی و یکی از افراد تکنوکرات در سطح کشور است که باتوجه به وضعیت پس از انقلاب و تنگناهای موجود توانست در عرصه کشور به عنوان یک کرد اهل سنت جای پایسی باز کند و خود را مطرح کند. می توان علاقه به تغییر و توسعه را از همان اوایل زندگی در وجود ایشان مشاهده کرد، درحالی که متأسفانه در میان بسیاری از خانواده های مرفه کرد و حتی طبقه متوسط کمتر فرزندانیشان به دنبال فراگیری علوم و تخصص هستند. مهندس ادب از همان دوره دبیرستان راهی تهران می شود تا در یکی از بهترین دبیرستان های آن شهر و در حال غربت با کاشتنت نهال امید در اندیشه چیدن میوه های شیرین آن در آینده نه چندان دوری باشد. ایشان دوره دبیرستان را با موفقیت پشت سر می گذراند و بلافاصله راهی دانشگاه امیر کبیر تهران می گردد تا در رشته ای که می تواند در سازندگی شهر و کشورش مفید باشد به تخصص مورد نظر دست یابد و بعدها هم کارشناسی ارشد آن را هم به پایان برساند. مهندس ادب نظر به موقعیت خانوادگی و هوش سرشار خود و استفاده از قدرت جذب افراد به سرعت می تواند در نظام مهندسی کشور در گرفتن پروژه ها و ساختن زیربناهای توسعه مهارت خود را نشان دهد که هنوز ساختمان های ادب یادگاری از کارهای دوران جوانی ایشان است. اما آنچه که در زندگی مهندس ادب مهم است دوران پس از انقلاب است که مهندس هرروز با تغییر و تحولات مهمی در زندگی فکری و مادی خودمواجه است و می تواند از فرصت های موجود برای رسیدن به چشم اندازهای مورد نظر استفاده کند. چه در میادین ورزشی و یا در کارهای عمرانی توانست خدمات در خوری را انجام

دهد و توانمندی خود را در سطح ملی به ظهور برساند. اما آنچه که در مطرح کردن شخصیت مهندس ادب در میان کردها از اهمیت زیادی برخورداراست ورود ایشان به عرصه مجلس و وکالت مردم است که در مجلس پنجم باستقبال مردم سنندج مواجه شد و او را به عنوان وکیل خویشت انتخاب کردند، در مجلس ششم نظر به اکثریت اصولگرایان و فضای مجلس و همین طور وضعیت کشور در ناهمگونی در میان مجمع نمایندگان استان و اختلاف نظر در بین ایشان و مسئولین موجب شد تا ایشان نتواند خدمات شایسته ای به حوزه انتخابیه اش بنماید و جز اعتراضی به حوادث پس از دستگیری عبدالله اوچلان که موجب مطرح شدن بیشتر مهندس شد و نیز بعضی از خدمات اجتماعی نمی توان به طور کلی نکات برجسته ای در کارنامه مجلس پنجم ذکر کرد. اما نکته قابل توجه و مهم در زندگی سیاسی مهندس ادب حضور ایشان در مجلس ششم است که باتوجه به فضای غالب اصلاح طلبی و چالش هایی که با توجه به موضعگیری های ایشان در رابطه با مسئولین صورت گرفته بود احتمال ادامه این چالش ها و شاید به نوعی رکود فعالیت های سیاسی و اقتصادی در استان باشد. اما با حضور اینجناب در مجلس و علی رغم تلاش اصولگرایان در جذب مهندس ادب و تشویق او در جبهه گیری در مقابل اصلاح طلبیان و حتی تحریک برخی اصلاح طلبان در رد اعتبارنامه ایشان اما برخورد صحیح و توجیه درست مجموعه اصلاح طلبان استان توانست که بر تاثیر گذاری منفی بر تصمیم های ایشان موثر و کارساز تر باشد وحتی صدا وسیمعا تا دو سال اول مجلس تلاش می کرد با مصاحبه ها و میزگردها او را از همراهی با فعالان سیاسی و فرهنگی کوردستان باز بدارد. بنابراین در نتیجه همفکری دیگر نمایندگان کرد و مجمع نمایندگان استان بیش از پیش از پتانسیل های مهندس

ادب در طرح مسائل و ارائه راه کارها برای حل مشکلات کردستان روز به روز متجلی می شده زیرا دامنه واقف فکری مهندس بسیار گسترده تر از برخی از همکارانش بود به گونه ای که در بسیاری از جلسات با مسئولان آنچه که مد نظر مهندس ادب بود توجه به خواسته های مردمان مناطق کردنشین از ایولن تا ماکو بود اما گاهی برخی از همکاران سطح مطالبات را حتی در سطح لوله کشی یک روستا پایین می آوردند که موجب عصبانیت مهندس می شد اما انصافا مرحوم ادب دل بسیار بزرگی داشت و پس از مدتی به دنیای آرام خود بر می گشت. در مجلس ششم برای اولین بار فراکسیون نمایندگان کرد تشکیل شد که مرحوم مهندس ادب به سبب مقبولیت برای اولین بار به عنوان رئیس آن معرفی شد و این فراکسیون علی رغم وجود دیدگاه های متنوع توانست کارنامه درخشان‌ی از خود داشته باشد. مهندس ادب یک مغز مهندسی شده و منظم داشت که از وقت خود به بهترین وجه استفاده می کرد ضمن اینکه نماینده مجلس بود در شرکت ها و بانک ها و سازمان های مختلف مسئولیت رنسی با مدیر عامل یا عضو هیئت مدیره را داشت. پاسخگویی به مراجعین، حضور در حوزه انتخابیه و همفکری با نمایندگان و مکرم بودن و رعایت احترام به دیگران شخصیتی قابل احترام و تکریم را از ایشان ساخته بود. لازم است به نکته هایی که در دوره مجلس ششم در ارتباط با همکاری اینجناب با مر حوم مهندس می تواند به عنوان نکته های آموزنده و مفید و درس هایی برای هر فردی باشد که دلبسته کرد و کردستان است. هنوز که به مجلس راه نیافته بودم عده ای بنا داشتند که از همان سلاح تفرقه بینداز و حکومت کن از فضای موجود راست و چپ و اصلاح طلب و اصولگرا استفاده و باز هم روش های کهنه و تکراری را که کلا ضررش به ملت می رسید اعمال نمایند اما پیش بینی و تجربه های گذشته‌گان



ادب سیاست‌ورزی مهندس ادب

شورای اسلامی نشان می دهد که کنش سیاسی وی فاقد موضع پایدار، تحلیل قابل قبول و نظریه ی سیاسی مشخصی است که بر اساس آن رفتارهای سیاسی خود را سامان دهد به گونه ای که در مجلس پنجم در ژمره ی اصول گرایان قرار می گیرد، در مجلس ششم بدون آنکه صراحتا اعلام کند به تدریج به اصلاح طلبان نزدیک می شود و بعد از دوران نمایندگی مجلس نیز تلاش می کند با تأسیس جبهه ی متحد کرد، خود را به عنوان یک ناسیونالیست کرد معرفی نماید. در حقیقت، فعالیت سیاسی ادب بیشتر مبتنی بر ویژگی های فردی و متکی بر وضعیت مالی و اقتصادی اش بود و کمتر به نظر به های سیاسی بها می داد. همچنین عدم توجه به نظریه های سیاسی و احساس بی نیازی نسبت به آنها موجب شده بود که وی هویت سیاسی شناخته شد‌ای نداشته باشد.

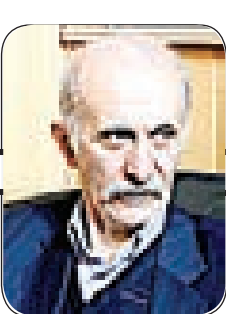
فقدان تحلیل و نظریه ی سیاسی در چگونگی اقدام برای تأسیس جبهه ی متحد کرد، زمان تشکیل آن، آسانساده و سرنوشت بنیانگذاران آن به خوبی به چشم می خورد اگر چه وجود چنین تشکیلی یکی از ضرورت های امروز کردستان است ولی با توجه به این که تشکیل آن متکی به نظریه ای سیاسی نبود و صرفا مبتنی بر کاریزما و ویژگی های فردی ادب بود لذا انسجام و یکپارچگی سیاسی ادب نیز تحت تأثیر این خطا فعالیت های سیاسی خود را آغاز و به پایان می رساند. در حقیقت ادب آنگاه ادب شد که در مجلس ششم گنایشی دموکراتیک حاصل شد و در آن فضای نسبتا ً باز، ادب توانست استفاده‌های خود را شکوفا سازد و در حد توان خود که در تاریخ نمایندگان کردستان بی نظیر نیز بود، برای تحقق مطالبات کردستان تلاش نماید. در راستای این خطای استراتژیک بود که گاهی نزدیکی به اصول گرایان و حتی فرصت طلبی و مخالفت با دموکراسی نیز توجیه می شد. وی این شعار یکی از نمایندگان کرد که «نه چپم نه راستم ... کوردم و خوا تمناسم» را مبنای کار خود می دانست و این بدان معناست که تحلیل و درک درستی از شرایط و تفاوت هایی که میان جناح های سیاسی در ایران وجود دارد، ندارد و به عبارتی دیگر دموکراسی با تعامیت خواهی در رسیدن به اهداف و در نسبت با کردها تفاوتی ندارد.

تردیدی نیست نقش ادب در مجلس و به عنوان یک نماینده، نقشی منحصر به فرد و ممتاز بود و اگر فضای دموکراتیک مجلس ششم تداوم می یافت و ایشان هم رد صلاحیت نمی شدند می توانست برای کردستان، اهل سنت و در کل برای ایران بهتر و مفیدتر باشند. با وجود این ذکر این نکته ضروری است با توجه به اینکه ادب برای کنش های سیاسی خود بیشتر متکی به ویژگی های فردی و تا حدی متنی و منش اقتصادی خود بود، خود را بی نیاز از تحلیل و نظریه ی سیاسی می دانست در خارج از مجلس و در نقش رهبر یک جبهه یا دبیر کل یک حزب نمی توانست موقعیتی حاصل کند و به تجربه ی بیشتری نیاز داشت. اما در کل، ادب، میراثی ارزشمند بر جای گذاشت که امروزه بیش از هر زمان دیگری مستلزم تحلیل و نقد است و این نوشتار نیز در این راستا به نگارش درآمده است.

یادمان

نگاه کارشناسی

مردی بود مردستان



اسعد اردلان

■ سالهایی چند از درگذشت انسانی می گذرد که با بدرفه ای کم مانند به سزای باقی شرافت تا آسوده از دغدغه های همیشگی اش در کنار آرامگاه پدر، به ابدیت بپیوندد. گرچه از میان ما رفته است اما یادها و یادگارهای او جلوانده مانده اند.

گسترش ارتباطات اجتماعی و تنوع حوزه های فعالیت زنده یاد مهندس بهاء الدین ادب آنچنان بود که هر فرد و گروهی می تواند گوشه هایی از دریافت خود را بازگو نماید. بر این بلور، هر آنچه که در یک نوشته می آید، بیان همه شایستگی ها و صفات پسندیده او نیست، بلکه برگ سیزی است از درخت پرباری که سایه آرامش بخشش فضاهای گسترده ای را در بر گرفته و انسان های بسیاری را شامل شده است. از آشنایی من با مهندس ادب بیش از پنج دهه و از دوستی ام با او بیش از سه دهه گذشت. روزگاری که با وجود تفاوت اندک سن اما به دلیل دوستی در خاطرات نوجوانی و جوانیم ماندگار شده اند و زیباترین آن لحظاتی بود که با معرفی کسانی که به اشکالی از کمک نیاز داشتند نه تنها پاسخ مثبت می داد بلکه از این که انجام خدمتی را از او درخواست کرده بودم خشنود نیز می گشت. خصلتی که تا

زنده بود در او پایدار و رو به فزونی می نمود و پنجره ای که همیشه به روی من باز بود. در این سال های واپسین نیز فرصت بیمباری برای همکاری در زمینه های فرهنگی و اسانددوستانه پیش آمد که آثار آن محدوده روابط فردی را درنوردید و تأثیرات اجتماعی برجسته ای به یادگار گذاشت. در نگاه من به کارنامه مهندس ادب دو وعه واضح و عقلایت همواره برجسته بوده اند. عشقی که به مردم، خدمت به آنان و دفاع از حقوقشان داشت، و مهری که به فرهنگ، تاریخ،

آیین و آداب سرزمینش ابراز می نمود. او سلسله مراتب این عشق را بخوبی یاس می داشت. آن گاه که احساس مسئولیت فردی داشت با آنان که پاریش را می جستند همراه بود و زمانی که مسئولیتی جمعی می پذیرفت، به خدمت و دفاع از حقوق همگان همت گماشت. یساری و همراهی او با مردم و نهادهای عرصه فعالیت های مدنسی، اجتماعی و اقتصادی را پیمود و به گسترته ی پر تلاطم و بی فرجام سیاست نیز رسید. مهر او به خدمت به مردم در اندزه ای بود که در چند معدود کسانی قرار گرفت که بر خلاف رسم معمول دهه های اخیر نه تنها از بست و منصب اعتباری نگرفت، بلکه شخصیت اجتماعی و وجهات ذاتی و فردی خود را هزینه نیازها و خواسته های مردمش کرد و آن هنگامی بود که بار سنگین حقوق حقوق معمرق مردمی به پناه آشنایی او بر دوش کشید تا آنان و مشکلاتشان را از محاق فراموشی و تبعیض بدر آورد و راهشای مطالبه عدالتی باشد که از موکلیشان پنهان شده بود. نلمه های سرگشاده و سخن های او در مجلس شورای اسلامی گواه راستینی است به ایمان به حق، و دلدادگی او به مردم و سرزمینش.

عقلایت وی از گفتار و رفتارش آشکار می گشت. او که کل جامعه ای را که بر عقلایت استوار باشد و رویکرد حاکمیت در آن به ترویج عقل گرایسی و عمل بر مبنای خردورزی مورد پذیرد، جامعه ای معقول می خواند، رفتار خود را نیز برای رساندن جامعه به عقلایت و عدالت بر تدبیر و اعتدال استوار ساخت. از این رو از افراط گرایی و ترویج و تحریک به نافرمانی و خشونت پرهیز نمود.

اوعنان احساسات زیباییاش را برای دریافت حقوق مردم و رسیدن به آرمان های معقول آنان به دست عقلایتنی داد که بر تدبیر بحران های ملایم می کوشید. عقلایت و تدبیر او خشم بسیاری را مهار کرده و جان های بی شماری را از گزند رهاکید.

هر کتا مسئجی و مدیریت او در طرح موضوعات و مسائل کشور و منطقه و تلاش برای حل آن ها بی بدیل، و شکیبایی و متانتش در برابر شنیدن افکار مخالفان و واکنش های آن ها نیازمند بود. همواره گوششی ششوناری شنیدن و انتقاد و زبانی نرم برای پاسخ گویی و سیاسگذاری داشت. حتی در واپسین روزهای زندگی، تحمل دلزد چنانکه ناشی از کسالت و نیاز مبرم به آرامش روحی و جسمانی، تغیری در رفتار ستوده اجتماعی او ایجاد نکرد.

او مر دی بود مردستان. و نیک بختی شان بودند. رفتنش از میان ما زارتاب دهنده نیاز مردمان سرزمینش به آرمان های او یعنی دموکراسی، عدالت اجتماعی و توسعه متوازن بود. نیازهایی که سرلوچه اهداف و برنامه هایشی قرار گرفت و پیاسی راهی سه همراه داشت و آن درخواست مجدد بساری برای نیازهای قانونی مردم برای اوست یایی به حق برابری، حق توسعه و رفع تبعیض بود. مرگ او مصداق این کلام خدا بود که فرمود: «یا ایتهالنفس المحملتمنه، ارجعی الی ربک راضیه مرصیه» و نشان از آن سرود و شعر بزرگ کردی داشت که: «آنان که در قلب مردم زندگی می کنند، هرگز نمی میرند».



روزنامه

تصویر تو و قاب عکسی که انگار خالی است!



فرزاد حاجی میرزایی

سالهست در اتاق قاب کلم عکسی دارم از کسی که برای من یادآور خیلی چیزهاست. کسی که تصویرش یادآور ازروه‌های مردمان این سرزمین است. مردمانی درد کشیده و آرزومند و در عین حال سخت کوش و نجیب. آری کرد و کردستان فرزندان غیور بسپار داشته است. اما مهندس خصوصیت هایی دارد که کمتر کسی آنها را یک جا با هم داشته است. بدون غلو و بدور از هر گونه بزرگ نمایی، مهندس پرورش دهنده ی یک گفتمان و ادبیات سیاسی در کردستان است. گفتگمی نو و بدیع رویکردی عقلایی و کارآمد. خوب با یک مقدمه ی تاریخی این مدعا را با شواهد توضیح خواهم داد.

کردها مردمانی هستند با دیرینه و تاریخی بلند بالا. این مردم که از کهن ترین اقوام آریایی هستند هزاران سال پیش بنابر روایت غالب از شمال اروپا و از طریق قفقاز مهاجرت کردند و در نواحی زاگرس و سرزمین های غربی فلات ایران و شمال بین النهرین و قسمت هایی از آسیای صغیر و حتی بعضی نواحی دریای خزر پراکنده شدند و با اقوام بومی این سرزمین و قبایل موجود آمیزش کردند و نخستین سلسله های بزرگی را پایه گذاری کرده اند. کردها پس از اسلام با روی گشاده در راه گسترش این دین کوشیدند و بزرگان بسیاری را به جهان اسلام ارزانی داشتند. شادروان هه راز در مقدمه ی دیوان ملای جزیرسی به نقل از الکامل ابن اثیر می گوید که دین اسلام در آن عصر چهار دانشمند بزرگ داشته که همه از اکراد بوده اند. با این وجود نباید از این نکته غافل بود که این مردم در عین حفظ قومیت خویش، دارای تنوع دینی- مذهبی قابل توجهی بوده اند و سالها با مدارا و احترام در کنار یکدیگر رسته اند.

تاریخ مردمان این سرزمین نشیب و فرازهای بسیار داشته است. نحوه ی تعامل کردها با حکومت های مرکزی می تواند بسیار آموزنده باشد. کردها طی تاریخ خویش تلاش کرده اند در مسیر توسعه و آبادی کل سرزمین خویش گام بردارند. آنها طی قرن‌ها خود را با شرایط کوهستانی سلسله جبال زاگرس وفق داده اند و کوشیده اند به طرق مختلف از مصالح و درهای زندگی خویش بکاهند. آنها همواره مرداران بزرگ ایران زمین بوده اند و حکومت های مرکزی همواره از این نقش بی بدیل آنها استفاده کرده اند.

پس از انقلاب اسلامی کردها همواره به عنوان یکی از اقوام بزرگ ایرانی مورد توجه بوده اند. آنها خواهان ادای سهم خویش در مدیریت های کلان کشوری و نیز منطقه ای بوده اند. حاکمیت نیز گاهی به جد و گاه به شکل نمادین سعی کرده این نسبت و رابطه و سهم را حفظ نماید. نیروهای بومی نیز در این بازی و این نسبت مشارکت جسته اند. اگر چه ما تا کنون شاهد هیچ استاندارد کرد یا وزیر کرد به معنای واقعی کلمه نبوده ایم و همواره در برخی نهادها و دولتها با گونه ای تردید به مدیران بومی نگریسته شده است و شاید همین نکته مانع تحقق مطالبه فوق شده باشد. غافل از اینکه این رویکرد می تواند میزان اعتماد و سرمایه ی اجتماعی بین مردم و نظام را افزون سازد و زمینه توسعه ی هر چه بیشتر کردستان را فراهم نماید.

مهندس کسسی بود که در کنار دیگر اعضای فراکسیون کرد مجلس در این راستا تلاش کرد و الحق و الاصاف خودش لایق این عناوین و عناوین برتر از اینها هم بود. ادب کسی بود که هر زمان در مجلس یک حرکت را آغاز می کرد حداقل یکصد نماینده و بیشتر پشت سر او بودند و توان بسیج چنین نیروهایی را در مجلس شورای اسلامی داشت.

ادب به عنوان یک مهندس و یک کارآفرین خدمات شایانی به کشور کرد و به عنوان یک «پارلمنتار» کرد و یک سیاستمدار طراز اول در محافل ظاهر شد. او به کردها و نیروهای فعال کرد آموخت که چگونه می توان با بینش و درایت و عقلانیت مطالبات مردم را در چارچوب قوانین موجود بدور از هر گونه افراط و تفریط پیگیری نمود و به سبوی آرمانها و آمال مردمان این سرزمین که همئا توسعه و آبادانی همراه با عزت و سرفرازی مردمان کرد است قدم برداشت.

در تاریخ سیاسی معاصر کردستان او جزو معدود کسانی است که با چنین رویکردی و با اطلاع از امکانات موجود و با سربلندی و احساس عزت و غرور ملی خواهان احقاق حقوق ایرانیان و بالاخص کردها در چارچوب قوانین موجود بود. اینکه ما نیز مردمی هستیم و شایسته یک شیوه ی حکمرانی خوب اینکه باید از فرزندان غیور کردستان و از شایسته گان این سرزمین برای اعتلای این مرز و بوم استفاده کرد. اینکه باید کردستان را در اعتبارات ملی دید و برای جهش توسعه ای در کردستان مایه گذاشت. اینکه باید مجال را برای شایسته گان این مردم فراهم کرد تا بتوانند در توسعه ی کشور نقش داشته باشند و کردستان را با این همه امکانات خدادادی و پتانسیل های بی بدیل توسعه ای به جای شایسته و در خوری برسانند.

ادب در عین آرمان گرایی یک سیاستمدار پراگماتیست به تمام معنا بود؛ چراکه همواره به واقعیت های جامعه خویش نظر داشت. او به تمام معنا به هر آنچه ارزشهای ملی و مذهبی مردم منطقه و کشور بود احترام می گذاشت و همواره آنها را فرا چشم داشت. از این رو در راه تحقق مطالبات بر حق و قانونی مردمش از هیچ کاری فرو گذار نکرد و لحظه ای از پا ننشست و درینفا که چه زود از میان ما رفت و ما را در بهت و ناباوری تنها گذاشت.

گاهی که در اتاق کارم از فرط خستگی و مطالعه خولیم می گفرد خواب می بینم که قاب عکسی او خالی است! اما از خواب که برمی خیزم باز نگاه بر از امید و معنادر او را به خود و مردمانم می بینم و باز همان معانی را به یادم می آورد و هر روز برایم تکرار می گردد تا مگر کنش و منش او برایم جداولده بماند. یادش گرمای باد!

یادمان

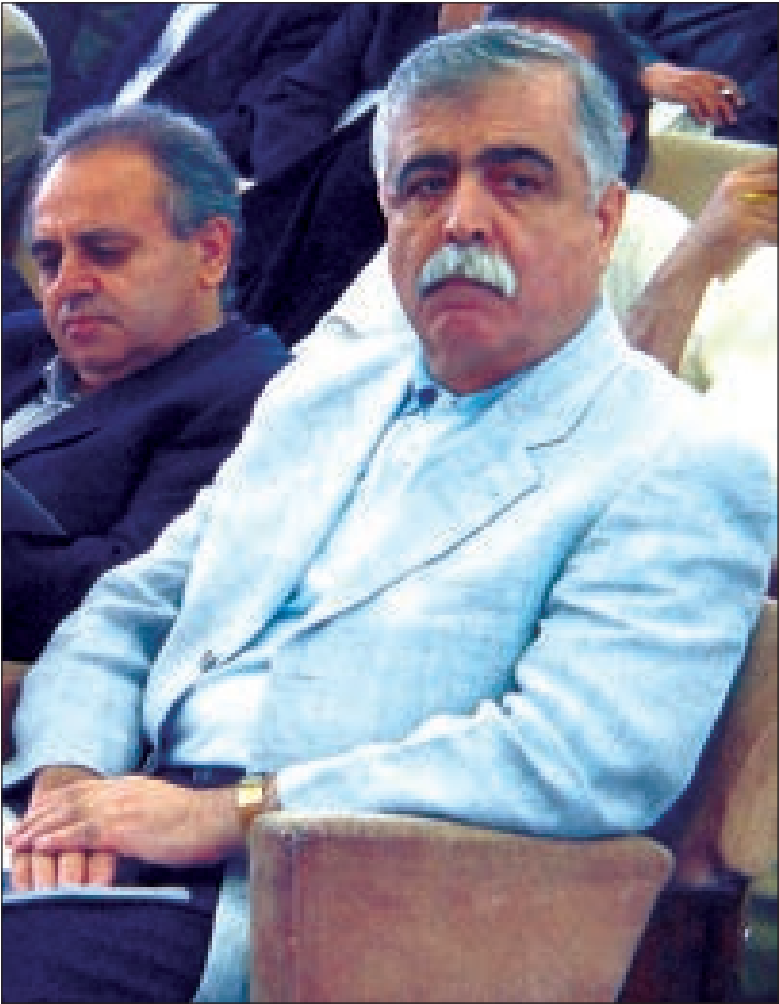
نقش تکنوکرات های کرد در توسعه کردستان

۱. تشخیص جوامع توسعه یافته از توسعه نایافته نیازمند شناخت عوامل و عناصری است که موجبات رشد می شوند. از جمله عوامل فیزیکی، سرمایه مادی، تکنولوژی و دانش. از نگاه صاحب نظران توسعه، یکی از نشانه های رشدیافتگی جوامع، شناخت، ارزیابی و استفاده درست از سرمایه های انسانی آن جامعه است. و البته نیل به این مهم میسر نیست مگر در سایه واقع بینی، ملت های واقع بین بدور از کوچک بینی و بزرگ بینی داشته های خود را – آنگونه که هست – می شناسند و به کار می گیرند. به عبارت دیگر می توان گفت: یکی از مولع ابتدایی گام نهادن جوامع در مسیر توسعه، عدم شناخت و ارزیابی درست از سرمایه های آن جامعه است. ضرب المثل معروف ایرانی « آنکس که نداند و نداند که نداند – مصلحتی نیست خود را – واقع بینانه – ارزیابی کند. ملت باید وضعیت خود را – واقع بینانه – ارزیابی کند. سبب به تناسب بر خوردراری از سرمایه انسانی آگاه، ماهر و ساعی خواهد توانست در مسیر توسعه گام بگذارد. وقتی می گوئیم مسیر توسعه، منظورمان گام نهادن در مسیر نو شدن و گذار از دنیای گذشته و عقب مانده به دنیای مدرن، پیشرفته و آینده است.

۲. منطقه کردستان ایران از جمله مناطقی است که از ارزیابی های کارشناسانه در مقایسه با سایر مناطق کشور، در دسته بندی ها، به عنوان توسعه نایافته معرفی می شود. واقعیت های موجود و استناد به شاخص های راجع توسعه یافتگی از جمله نرخ رشد اقتصادی، درآمد سرانه، میزان اشتغال عوامل تولید، سطح مکانیزاسیون و تکنولوژی مورد استفاده، نرخ بهداشت، تحصیلات، سطح رفاه و برخورداری از آزادی های انسانی و-باین واقعیت را تأیید می نماید. گرچه بررسی علل این توسعه نایافتگی نیازمند مطالعه علمی و کارشناسی گسترده جمعی و دولتی است اما برخی از شاخص ها چنان آشکار است که به آسانی قابل شناسایی هستند. از جمله نقش منابع انسانی، وقتی سخن از سرمایه انسانی به میان می آید ابعاد مختلفی از-جمله: نگرش، دانش، مهارت و توانمندی و استفاده بهینه از آن ها را شامل می شود. اینکه رهبران جامعه – به معنای هدایت کنندگان، تصمیم گیرندگان اصلی و مدیران ارشد – دارای چه ویژگی هایی هستند و چه میزان اثربخش ظاهر می شوند، اینکه نیروهای تصمیم ساز – که تسامحا می توان آنان را تکنوکرات نامید – دارای چه ویژگی هایی هستند و چه میزان نقش ساز موثری ایفا می کنند و اینکه آحاد نیروی انسانی در چه سطحی از رشدیافتگی قرار دارد و ساختار نیروی انسانی این مناطق چگونه است را می توان از جمله شاخص های سرمایه انسانی جامعه نامید.

۳. برای صاحب این قلم که دانش آموخته مدیریت است و علاوه بر دو دهه تجربه مدیریت اجرایی، بیش از یک دهه است با نگرش و روش های استراتژیک مخدور شده است، داشتن دغدغه و اندیشیدن در مورد عوامل استراتژیک

عقب ماندگی و یا به تعبیر دیگر توسعه نایافتگی مناطق کردنشین باید امری بدیهی به شمار آید. لذا سال ها است به اهمیت نقش نیروی انسانی توانمند و کارآمد در پیمودن مسیر توسعه پی برده و همواره از خود می پرسد که یک نفر ایرانی یا کرد چگونه می تواند در فرایند توسعه جامعه اش موثر و مفید واقع شود. من هم مثل بسیاری از جوانان کرد در گذشته مبارزه سیاسی را مهمترین نقش تلقی می کردم. اما اکنون گرچه منکر این نقش حساس نیستم و آن را نیاز لازم – و نه کافی – می دانم، به نتایج دیگری رسیده ام لذا در محافل خصوصی یا در کلاس های درس همواره یک جمله کلیشه ای را تکرار می کنم که یک کرد زمانی می تواند در پروسه توسعه جامعه اش نقش موثر ایفا کند که «جاسواد یا ثروتمند» باشد. بلسواد برای شناخت، ارزیابی و هدایت درست راه ها و روش ها و ثروتمند برای سرمایه گذاری، تولید، ایجاد اشتغال و ایجاد رفاه، و البته این دو، نه



یادداشت

تصادفا بلکه، تحقیقا مکمل یکدیگرند. نیم نگاهی به وضعیت کردنشین باید امری بدیهی به شمار آید. لذا سال ها است به اهمیت نقش نیروی انسانی توانمند و کارآمد در پیمودن مسیر توسعه پی برده و همواره از خود می پرسد که یک نفر ایرانی یا کرد چگونه می تواند در فرایند توسعه جامعه اش موثر و مفید واقع شود. من هم مثل بسیاری از جوانان کرد در گذشته مبارزه سیاسی را مهمترین نقش تلقی می کردم. اما اکنون گرچه منکر این نقش حساس نیستم و آن را نیاز لازم – و نه کافی – می دانم، به نتایج دیگری رسیده ام لذا در محافل خصوصی یا در کلاس های درس همواره یک جمله کلیشه ای را تکرار می کنم که یک کرد زمانی می تواند در پروسه توسعه جامعه اش نقش موثر ایفا کند که «جاسواد یا ثروتمند» باشد. بلسواد برای شناخت، ارزیابی و هدایت درست راه ها و روش ها و ثروتمند برای سرمایه گذاری، تولید، ایجاد اشتغال و ایجاد رفاه، و البته این دو، نه



سید هاشم هدایتی

و یکی از مصداق های واقعی آن را مرحوم مهندس ادب می شناسم. البته مصداق های زنده و فعال دیگری نیز موجودند که مردمان ما خوب است – باید – با نام و آثار کار آنان آشنا شوند. من مهندس ادب را در این تقسیم بندی یک ثروتمند تکنوکرات می دانم و یکی از تحصیلکردگان کردی که کوشید – و توانست – از قبل دانش و تکنیکی که کسب کرده بود به کسب ثروت بپردازد. درست است پدر آن مرحوم فرد متمول و دارایی بوده است اما شاهدان واقفند که آنچه مهندس ادب گردآورد نه فقط از مجرای ثروت پدری بلکه با تلاش و کار خود او و متکی به توانمندی های مدیریتی اش بوده است. متأسفانه کردستان کمتر اینگونه افرادی بوده است. برخی از دیار مادری رخت پرسته اند – و یا آنان را تارلنده اند – و برخی نیز نقش اجتماعی خود را فراموش کرده و یا نقش مهمی که حتی یک فرد می تواند در فرایند توسعه منطقه داشته باشد را جدی نگرفته اند.

۵.مهندس ادب – فارغ از اینکه چه میزان با ایشان موافق یا مخالف هستیم – یک الگوی عینی از نیاز جامعه کردی است. جوانان کردی که عاشق خدمتگزاری هستند اگر بخواهند در دنیای امروز و متناسب با واقعیات جهانی در حیات سیاسی اجتماعی کردها اثرگذار باشند چاره ای ندارند جز اینکه یا: ۱) درس بخوانند، تا کارشناس، تکنوکرات، مدیر، تکنیسین، محقق و پژوهشگر شوند و نظریه پردازی کنند تا راه های نو برای سعادت و رفاه هم مهیجان شوند و نیز برای خود زندگی سعادتمندانه و مرفهی درست کنند چرا که فرد مسدام نتواند زندگی شخصی خود را سامان دهد نخواهد توانست به یاری دیگران و جامعه اش شبکشد و یا: ۲) ثروتمند شود تا بتواند سرمایه گذاری کند، ایجاد شغل کند، تولید کند، و از این طریق به رفاه و پیشرفت جامعه اش باری رساند.مهندس ادب نمونه انسان نوآور و خلاقی است که در دنیای جدید توانست با استفاده از شایستگی های تکنیکی و استعداد مدیریتی اش به توانمندی های اقتصادی و مالی نیز برسد. گرچه شاید به زعم برخی از منتقدانش آنگونه که می بایست از این ثروت برای ایجاد کار و تولید در زادگاهش کردستان، استفاده نکرد اما او هر جا، بود مایه سربلندی کردها بود و در سنجند نیز مجموعه سر درخشان ادب و پژوه های معروف آپارتمان های ادب و کمک های ویژه ای که به نیازمندان کرد کرده است می تواند نمونه واضح و عینی از یک تکنوکرات اثرگذار در میان کردها به شمار آید.به علاوه باید در نقش سیاسی او در معرفی مثنی، دموکراتیک و قانونمدارانه مبارزه برای حقوق کردها در جریان دو دوره توانمندی مجلس را به عنوان یک الگوی ماندگار یادنامود. مثنی، هشیارانه، قابل دفاع و کم هزینه ای که می تواند در آینده به یاری مردم مستحدمیده کرد و نسل نواندیش، ترقیخواه و حقجویش برسد. یادش گرمای و روشش شاد

سید معروف صدقی در یک گفتگوی کوتاه:

ادب یک تکنوکرات بود

سید معروف صدقی نماینده سابق سنندج، کامیاران و دیواندره در گفتگوی کوتاه تلفنی خود با نابکرین روزبههالدین ادب را شخصیتی تکنوکرات و فن سالار دانست که جایگاه کردستان را در مجلس بالا برد. به باور صدقی بهاءالدین ادب با تشکیل فراکسیون نمایندگان کرد مناطق کردنشین بستری برای ایجاد جبهه ی متحد کرد فراهم نمود.

سوالات کوتاه و پاسخ سید معروف صدقی در پی می آید:
۱) آشنایی شما با مرحوم ادب را به چه زمانی بر می گرد؟

زمانی که بنده در مجلس چهارم بودم به همراه یکی از دوستان به منزل مرحوم ادب دعوت شدیم و ساعتی را در خصوص مسایل اجتماعی و فرهنگی کردستان حرف زدیم و این اولین آشنایی بنده با ایشان بود. تا اینکه با ورود ایشان به مجلس پنجم و در یک دوره چهار ساله با هم زیر سقف مجلس همکار بودیم.

۲) نقش بهاءالدین ادب در تشکیل فراکسیون نمایندگان کرد را چگونه ارزیابی می کنید؟

قبل از تشکیل فراکسیون نمایندگان کرد مجلس ششم مجمع نمایندگان ادوار بود اما در مجلس ششم با توجه به ارتباطات گسترده مهندس ادب با نمایندگان و سایر شخصیت های فرهنگی و اجتماعی فراکسیون نمایندگان کرد توسط ایشان تشکیل شد. نقش محوری و موثر ادب در این فراکسیون بر هیچ کس پوشیده نیست.

۳) رمز ماندگاری ادب را در چه می دانید؟

به نظر بنده عامل اساسی و رمز ماندگاری ایشان تشکیل جبهه متحد کرد بود چرا که مطالبات و خواست های قانونی و مشروع مردم کرد در قالب این جبهه پیگیری شود؛ دوم اینکه مهندس ادب با توجه به جایگاه نمایندگی اش مورد احترام مردم بود و با توجه به اینکه وی شخصیتی تکنوکرات و فن سالار بود مورد توجه نخبگان و جامعه علمی کشور نیز بود که این عوامل از ایشان شخصیتی ویژه و منحصر به فرد ساخته بود.

۴) با توجه به همکاری شما در دوره ای با مهندس ادب چه خاطره ای از وی در ذهنتان حک شده است؟

در خصوص مسئله ای به وزارت کار همراه مهندس ادب دعوت شدیم در آن جلسه نماینده ی وزارت کار در خصوص سخنان جلسات قبل مهندس ادب مطالب تندری را علیه وی عنوان نمود که خواست مهندس ادب واکنشی تند و عصبی نشان دهد اما در ادامه جلسه زمانی که نوبت به سخنرانی مهندس ادب رسید، وی با استدلال علمی و فنی نادرست بودن سخنان فرد معترض را برای همگان روشن ساخت بدون اینکه از جاده ی ادب و نزاکت خارج شود. این جلسه جایگاه علمی و فنی مهندس ادب را به همگان نشان داد.

نگاهی دیگر

آدمی بود که از «درد» سخن ها می گفت



یاد بعضی نرات

روشنم می دارد

قوم می بخشد.

نام بعضی نرات

رزق روحم شده است

وقت هر دلنگی،

سویشان دارم دست

یاد بعضی نرات

جراتم می بخشد

روشنم می دارد...

در اینکه با پان عمر هر کسی مرگ است هیچ تردیدی نیست و بدون تردید همگان در این وادی قدم می گذاریم و روزی غزل خداحافظی را خواهم سرود غزلی که قافیه اش خاموشی است ...اما با نگاهی به تاریخ همواره شاهد ام های سستیم که جاودانه مانده اند و از یادها نمی روند. نام های که با بوی خون می دهند. یا بوی عشق و مهربانی، نام هایی که یا ناجی بودند و یا جانی، نام هایی که یا دوست بودن یا دشمن، نام هایی که با فرعون

خفتند و با موسی صفت نام هایی که یا یزدی هستند و یا حری و... قطعا در دو سر طیف شاهد ماندگاری نامها هستیم و به قول فارابی حد میانه ی این افراد کسانی هستند که راهی جزء فراموشی ندارند. اما آنچه که اهمیت دارد و ماندگارتر است نام نیکوست و نام کسانی است که فلک را سقف

می شکافند و همواره در صددند طرحی نو در اندازند و دست آخر کسی شوند که شیبه هیچ کس نیستند و این است راز ماندگاری آنها. مهندس ادب نام یکی از خود به یادگار گذاشت نیاززی نیست برای صحت این امر به جادوی کلمات پناه برد

کافیست تاریخ را ورق بزنیم و ادب را از لابلای تاریخ نه چندان دور سرزیمنان قبل از آنکه بیشتر از این دیر شود بیرون بکشیم و به نظاره ی کلام و رفتارش بنشینیم تا عیار ادب بر همگان آشکار شود. کافیست ادب را دوباره بر کرسی مجلس بنشانیم و

نطق های ادب مخصوصا نطق های مجلس ششم را دوباره با خوانشی توام با مقایسه با کسانی که بعد از ادب نماینده شدند مقایسه کرد و ادب را دوباره مرور کرد تا درک ادب کردد چگونه هر زمانی که

نیاز می دید اتفاق میکرد حتی دوستان گذشته اش

را،! تا بدین شکل واقعیت را قربانی مصلحت نکنند.

اگر می خواهیم راز ماندگاری ادب را در درک کنیم کافیست ادب را از زبان کسانی شناخت که نه کرد بودند و نه اهل سنت اما همواره از تخصص و نگاه

علمی ادب سخن می گویند...

اما شناخت به تنهایی معنی و فایده ای ندارد ادب را باید به زندگی برگردان باید بخش هایی از منش و رفتار ادب را هر کجا ضرورت است زنده کرد،

محسوس کردن نام ادب در یادواره ها و سخنرانی های دوران انتخابات و کسب رای با نام و نشان ادب هنر نیست هنر آن است که از نکات مثبت رفتار ادب الگو بگیریم و یاد بگیریم چگونه از

دردها سخن بگویم.

دست آخر باید پرسید چرا هر کسی نمیتواند ادب شود؟ مگر ادب تنها سرمایه دار این استان بود؟ مگر ادب تنها نماینده مجلس استان بود؟... قطعا راز ماندگاری او و کسانی همچون دکتر جلالی زاده در یادها و خاطرات و جدان جمعی ما بر میگردد به رفتار و کرداری که از آنها باقی مانده است، کسانی که مهر فریاد خود را بر تابوت سکوت آنچنان محکم کوبیده اند که سالهای سال باز به گوش می رسد کسانی که حتی صدای سکوتشان از فریاد خیلی ها راسر تا بود. فریادی که از دردها سخن می گفت... در واقع ادب، ادب باقی ماند چرا که آدمی بود که از «درد» سخن ها می گفت. یادش گرمای

مفقودی

ایجنانب یاسر رضایی

ساکن شهر سنندج

دانشجوی دانشگاه

کردستان، کارت

دانشجویی خود را به

شماره ۵۰۱۱۵-۹۱۱۶ گم

کرده ام و از این تاریخ

فاقد اعتبار است.

دل نوشته های شادی ادب

دست نوشته هایی از مهندس ادب



حکایت تو ستایش انسان است



مهندس هیمن جوانمیری

توصیف گل، ستایش زیبایی است/ توصیف تو، ستایش انسان است/ معمار وجود خویشین بودن/ و به برخاستن خویش برخاستن/ و پیکره ای بر آوردن/ از آن دست که مرز زمان را بشکند/ در هنگامه ای که/ آزاد بودن مجاز نبود/ و مومنانه زیستن را/ هزینه ای چندان گزاف بود که یاد در سکوت باید فرسرد/ و یاد در باروهای بلند/ به مرگ تدریجی جان سپرد/ تو برون آمدی از خویش/ و سنگ بر سنگ نهادی/ خرد را با دیگر خواهی در آمیختی ملاطی از آزادی و فروتنی ساختی/ و با نمایی از سادگی آراستی/ تا بنایی ماندگار بر آید/ قصه رود، قصه رفتن است/ قصه تو، ستایش انسان است/ گل ها کنار سیم خاردار هم می شکند/ و تو از خاک پخته/ بنایی بر آوردی از خویش/ تندبسی ایستاده بر بلندی بادها/ که به آینده می نگرستی/ و صف بهار، ستایش زندگی است/ توصیف تو، ستایش انسان است/ به شیرینی گل ها لبخند زدن/ به صلابت سنگ ها ایستادن/ به گرمای رابطه ها افزودن/ حسرتی است این سان زیستن نه کیسه ای اندوختن برای دنیا/ نه لبخندی زیا و فریبا نه فراموشی دوستی ها/ دشوار است این سان زیستن/ حکایت کوه، ستایش سربلندی است/ حکایت تو، ستایش انسان است/ جنگل، خواب کودکی ات نبود/ دریا، رویاهای جوانی ات را سیراب می کرد/ در خیابان اما بلبوس را تجربه کردی/ و رستگاری را نه در امارت/ که در میان مردم یافتی/ و بدین سان/ به آیین شهیدان در آمدی/ اینک ما بی قرار توایم/ و شعر... آن هم از دهان تو خواندی است/ برخیز و شعر بخوان/ که درد و غیرت و پرخاش تویی/ شعر تویی...

گوهر ادب



به راستی سخن گفتن در خصوص بزرگ مردی همچون زنده یاد مرحوم ادب برای بنده کاری بس دشوار و ثقیل است و بی شک در وصف ایشان ناکارا ولی از باب انجام وظیفه و نشان دادن علاقه و ارادت قبلی به روان شاد که سالهای پربرکت عمرش را به عنوان وکیل مردم در مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده مستقل با روح آزاد مردی و آزادی خواهی سپری کرد مطالبی را عرض نمایم. این نماینده راستین مردم از نواغ ملی و نماینده نستوه بود که ویژگی های شخصیتی را می بایست از زوایای مختلف بررسی کرد و به نظاره نشست که به هر بعد از رفتارش که نگریسته می شود و نتیجه ای که بر آن مرتب می گردد آن است که باید در این عصر و زمانه او را سرمشق و الگو قرار داد. زندگیاش را برای نسل جوان و مدعیان خدمت به مردم باید به تصویر کشاند علایق و دلبستگی هایش، سخت کوشی ها و موفقیت هایش، مواضع و احساساتش، توان، تعهد و تخصصش و ... همه و همه گواه بر لیاقت و شایستگی آن داورمرد همیشه زنده است.

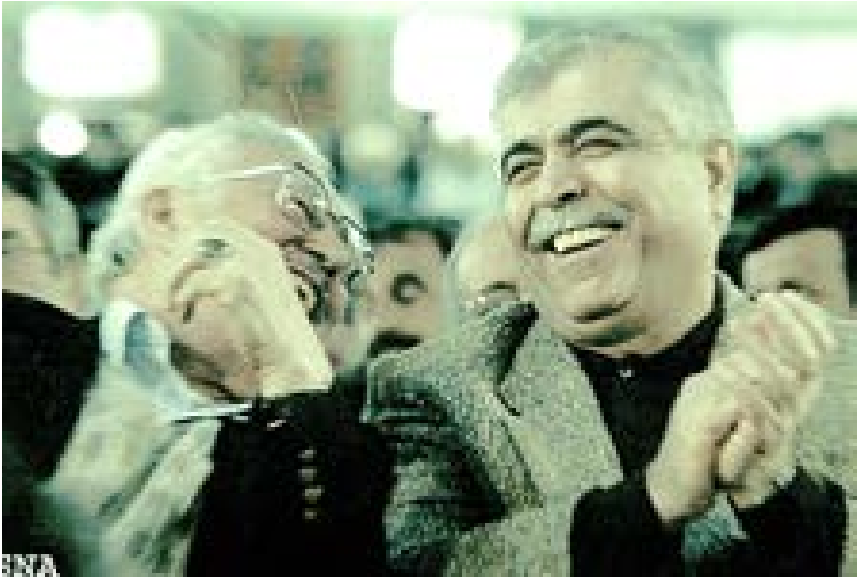
روانشاد چهره ای عالم و دانا بود و در زمینه های مختلف فرهنگی، اقتصادی، ورزشی، علمی و ... صاحب نظر بود و در موارد مختلف مسائل یاد شده صاحب تجربه های موفق بود.

فردی شجاع و پیگیر مسائل و مطالبات مردم خصوصاً در ایام و کالشتان در مجلس شورای اسلامی بدون مصلحت اندیشی شخصی و بی مهابا خواسته ملت و اجرای قانون را همواره خواستار بود مطالبات فراموش شده مردم را هر چند گاه با قلم و یا با کلام بیان می کرد و متذکر می شد و گواه اثبات این مطلب مقالات و نطقهای مرحوم است در کتاب فریاد و سکوت ملت او همواره در اجرای عدالت تلاش می کرد و خواهان شفاف سازی رفتارهای مدیران و نمایندگان بود و اجرای قانون «از کجا آورده ای؟» را خواستار بود و همیشه و همیشه زندگیاش در خدمت موسسه های عام المنفعه مستمندان و نیازمندان بود و هر موقع لازم می دید و احساس وظیفه می کرد با نطقهای غرایش مسئولین را خطاب قرار می داد احقاق حقوق ملت



جلال شریعتی

زه نجیر بو له شه نه وه که بو ژیان می فرماید عرض زندگی هر فرد باید از طول آن بیشتر باشد که به راستی این جمله مصداقی بر زندگی آن عزیز از دست رفته است. شکی نیست در هر جا و به هر جای از رفتار و منش مهندس نظر بیفکنیم می بینیم که چهار صفت «دانا، شجاع، خوشبخت و عادل» از صفات بارز ایشان بود و از نظر افلاطون فیلسوف نامدار یونان که کسی آن چهار صفت را داشته باشد صاحب فضیلت است. وظیفه همه ماست که بکوشیم آثار شخصیت های همچون مرحوم مهندس ادب و سایر مفاخر استان و کشور در زمینه های مختلف ادبی، علمی، هنری، ورزشی، فرهنگی و مدیریتی و ... آنچنان تأثیر بگذارند که ماندگارتر از عمر چند ساله دنیوی عزیزان باشد. (روحش شاد)



نگاهی به موسسه فرهنگی، خیریه بهاءالدین ادب

همایون جنتی

موسسه فرهنگی، خیریه بهاءالدین ادب با مجوز رسمی سازمان بهزیستی استان کردستان از نیمه دوم سال ۱۳۸۹ شروع به فعالیت نموده و صرفاً با حمایت های خانواده شادروان مهندس بهاءالدین ادب اداره می شود. لازم به ذکر است که تاسیس آن با توصیه و تأکید ایشان در ماه های آخر عمرشان انجام شد.

اهداف موسسه عبارتند از:
۱: حمایت های معنوی از نیازمندان جامعه
۲: حمایت مالی از دانش آموزان و دانشجویان مستعد

۳: حمایت و کمک به افراد و اقشار آسیب پذیر جامعه (معلولین، زنان و کودکان بی سرپرست)

۴: حمایت از برگزاری همایش های علمی، ادبی، هنری و همچنین جشنواره ورزشی معلولین

۵: تشویق و اهدا جوایز به نخبگان دینی، علمی، هنری، فرهنگی و به ویژه به افراد خیر

۶: کمک مالی جهت چاپ و نشر آثار ادبی، علمی، دینی و هنری در چهارچوب قانون

هیئت موسس عبارتند از:

۱: خانم شهیندخت جنتی

۲: // شادی ادب

۳: // نشاط ادب

۴: // نسیم ادب

۵: // بهادر ادب

اهم فعالیت های موسسه در چند محور به طور خلاصه:

فعالیت های فرهنگی شامل کمک مالی به چاپ و نشر آثار فرهنگی و ادبی کردستان – حمایت مالی از دانشجویان و دانش آموزان مستعد و بی بضاعت – کمک به مدارس و مراکز آموزشی به منظور رفاه دانش آموزان و تجهیز مدارس – کمک به تجهیز مراکز فرهنگی از قبیل کتابخانه ها – مساجد و غیره ...

فعالیت های امدادی و حمایت از بیماران بی بضاعت، شامل پرداخت بخشی از هزینه درمان، حمایت مادی از قبیل پیوند کلیوی – سرطانی، پیوند سایر اعضا – اعمال جراحی مختلف – سوختگی و ... که فاقد امکانات مادی بوده و نیازمند کمک می باشند.

فعالیت های کمک رسانی به اقشار بی بضاعت و خانواده های بی سرپرست، شامل پرداخت منظم نقدی به افرادی بضاعت بویژه زنان و کودکان بی سرپرست و سالمندان مستعد – تحویل مواد غذایی به مناسبت های مختلف بویژه در آستانه عید فطر به خانواده های نیازمند

فعالیت های مشاوره ای، شامل راهنمایی و ارائه مشاوره به افراد نیازمند راهنمایی و ارجاع آنان به مراکز که بتوانند مشکلات آنان را حل کنند

یادی دلسوزیک

(بؤ موهه ندس نه ده ب)



حامد حسامی (وهیلان)

تؤ وهک ههلؤی بهرزه فری

کوئستله کهم

بهرزه فریت پی فیر کردین

تؤ وهک بازی کهژو چیا تیز فریت پی فیر کردین

تؤ بوی نه توت چؤن بؤییه مهرچی ژینم

تؤ بوی نه توت من سسوتلوی بووزاندنه وه ناوه دانی

کور دستنم

تؤ بسوی نه توت من سسوتلوی کوروی عیشقی

سؤفیانم

رئره وهکی کووچهی هه ربون

تیزو تهسل له کانیاوی وه فلو یه قین

تؤ وورد بین و تؤ دور بین

تؤ شارها به دهشتی ژین

تؤ دلؤیه یک له دهاری خه لک

به لام هه وهک سیروانه کهم

یه کجار به تین

تؤ هه ناسی جهماوه بوی

تؤ ههنگلوی هوزمو گوزمی به نااهنگی پیرو لاو بوی

بؤ هه زاران پال پشتیکی نه بیزارو بوی

بؤ گهنجی شار تاپؤنیک له کو دور دیار بوی

تؤ سئیه بوی بؤ رینواری له پی که وتو

تؤ پزوسکی پر له هیوای دلی شهوبوی بؤ رینوار

رئ ون کردو

هواریکی پر هوار بوی بؤ بهختیکی زؤر خه والو

بانگم بهرزه بانگم بهرزه شهو دیرو شیعرم بؤ تؤ

هزار تهرزه

مهر نامیینی بانگت نه کهم تؤ هه مر ماوی.

مهر نازانی مهرگ و نه مان

تئ به ربوونی رؤز و مانگ و سالو زمان پیت ناوئری

تؤ هه مر ماوی تؤ دیاری نادباری!

له ناو کوری ناباد کهرانا، له ناو کوری شاعیرانا، له ناو

رئزه بیت و شیعرا

هه وهک نه دهب نمایانی تؤ نامری

ههلؤی بهختی کوردواری

تؤ نامری / تؤ نامری